

سهت حرکت تاریخ

آیا حرکت تاریخ دارای سمتی است یا تاریخ تکرار مکرر، حرکت سستانه بی هدف است؟

این مسئله از اهم مسائل مورد بحث در فلسفه تاریخ است. بسیاری کسانیکه برای حرکت تاریخ سمتی در جهت ترقی و تکامل قائل نیستند، خود عینیت و واقعیت مقوله "ترقی" یا "پیشرفت" را منکرند و آنرا نسبی، من درآوردی، ذهنی میدانند. حتی بسیاری کسانیکه مانند لرد وانسپارت در کتاب "بگذر نفاق" (Bones of Contention) که برای حرکت تاریخ حرکت خرچنگی و سمت قهقرائی قائلند، یا آنرا دورانی میدانند و بقول نیچه به چرخش جاوید و بازگشت ابدی (Ewige Wiederkunft) حوادث باورمندند یا آنرا مانند اسوالد شپینگر رو به زوال و غروب می‌شمرند. پاسخ ما مارکسیستها بمسئله کاملاً روشن است.

ما میگوئیم: حرکت تاریخ دارای سمتی است و این سمت در مجموع در جهت پیشرفت و تکامل بشریت است. تردیدی نیست که مسیر تاریخ پر از اعوجاج است و در آن بقول لنین در جازدهنها و جهشهای بزرگ به قهقرا هم دیده میشود ولی اگر مراحل کوتاه مدت را کنار بگذاریم و بنگریم سیر پیشرونده مشهود است. این يك اصل روشن و مسلمی است که امروز، جز کسانیکه دچار غرض یا گمراهی خاصند، قادر نیستند با استدلال علمی و تجزیه آنرا منکر شوند. ولی منظور ما در اینجا ذکر این حکم عام و بدیهی نیست. منظور ما پاسخ دادن باین سؤال است که آیا محتوی این حرکت پیشرونده چیست؟ آیا مضمون تکامل اجتماعی کدام است.

مضمون تکامل اجتماعی عبارتست از سیر دائمی بشر در جهت آرمان اساسی خود، یعنی تامين سعادت مادی و معنوی فردی و جمعی در تناسب با یکدیگر. شرط و محل اساسی تامين سعادت واقعی همگانی عبارتست از رفع دائمی نیازمندیهای فوق العاده متنوع و روزافزون مادی و معنوی فرد فرد انسانها و همه آنها در هماهنگی با یکدیگر. محل ضروری تحقق این عمل معرفت به قوانین طبیعت و اجتماع و غلبه بر جریان قوانین است. بدین ترتیب شکافتن محتوی "سعادت واقعی فردی و جمعی در تناسب با یکدیگر" و بیان شرایط و محل های اساسی و ضروری نیل بدان نشان میدهد که چکار عظیمی باید در زمان و مکان انجام گیرد تا هدف (که آن نیز هرگز بشکل مطلق قابل دسترسی نیست) در درجات دمدم عالیتری بدست آید.

بر اساس این مقدمه میتوان مضمون تکامل اجتماعی را در نکات زیرین بیان داشت:

(۱) حرکت از کپیو سعادت مادی و معنوی بسوی رفوران

(۲) حرکت از ایراسیونالیسم به راسیونالیسم یعنی از اشکال تنگرو عمل غیر منطقی و غیر علمی به اشکال تفکر و عمل منطقی و علمی

(۳) حرکت از وابستگی فردی و جمعی در چنگ قوای طبیعی و اجتماعی به وابستگی فردی و جمعی از چنگ قوای طبیعی و اجتماعی

(۴) حرکت از سیر خود بخودی جامعه به سیر آگاهانه آن

این مسیری است گام به گام. هر نسلی با کار و پیکار خود گامی در این مسیر جلو بر می‌دارد. حرکت در این مسیر حرکت مسرعه است یعنی هر نسلی دستاوردهای نسل پیشین را به ارث می‌برد و تراشیده و پخته‌تر می‌کند. چنانچه در ستاردها در قیاس با سراسر تاریخ بشری نسلی است و نسلی است مطلق آن در مردم در کار افزایش است و این دستاوردها در قیاس با گذشته بشری، پیوسته دستاوردها است شگرف و جلیل و شوق انگیز و نشان می‌دهد که تاریخ انسانی که تا دوران ما تاریخی از غار نشین‌ها تا فضا نورد ها است، تاریخ عجبی نیست.

از این مقدمه چند نتیجه علمی مهم گرفته میشود:

(۱) حل بی‌سعادتی انسانها امری است شدنی، سعادت دست یافتنی است. خوش بینی انقلابی ماداری محلی است استوار. فلسفه ماتم جهان فلسفه مانیت. باید بر اساس این فلسفه علمی و امیدوار و سرزنده روح تکاپو و قهرمانی، روح آفرینش و کار و پیکار را در سراسر جامعه مرفی تقویت کرد.

(۲) حل دفعی و یکجای مشکلات اجتماعی مسرعت نیست. نبل به هدف یعنی وفور نعمات مادی و معنوی، راسیونالیسم و سطره علم، وابستگی از جبر طبیعی و اجتماعی، سیر آگاهانه اجتماعی حتی در سطوح مقدماتی آن کار است که هنوز به تلاش نسلیها نیازمند است. پیوسته نگذاشته انسان در جنبه آینده اش عددیست تا چیز در جنبه بی‌نهایت.

(۳) کوشش جنبش مقدس موسیالیسم علمی مارکسیستی - لنینیستی عصر ماقبلین و منطقی ترین کوشش در سمت هدف است و بهترین محتوی زندگی سپنج انفرادی انسان شرکت در این نبرد جهانی - تاریخی است. مشکلات این نبرد و تناقضات دیاکتیک ایجاد جامعه - نسلی انسانی را باید دید. از مبارزه نباید توقعات غیر منطقی داشت. از مبارزه نباید بخاطر دشواریها و ناکامیهای سرخورد. باید در آن خود و پیکر بود و شعلت نیت انسانی را فروزانتر ساخت و به دوندگان آتی، نسلهای بالنده سپرد. انقلاب واقع بین - اینست قهرمان عصر ما.